



ازدواج در دل تجمعات، تجربه بی سابقه این شب های شهر است

خیابان هنرور تالار عروسی عروج شد

۵۴



عکس: فهیمه فرخی/شهرآرا

بانوان محله آبکوه، با درآمدزایی خلاقانه
گره از کار خلق باز می کنند

۶ **قصه اقتصاد مقاومتی
در مکتب و خیریه نرجسیه**



۳ ضایعات غذایی و کانال های فرسوده زندگی روزمره
کسبه خیابان آیت... عبادی را مختل کرده اند
ضربه زدن موش ها به بازار «عبادی»

۷ درباره پویش دوساله «نذر نان»
در محله کوی دکتر
سفره های خالی نان، پراز مهربانی شد



اهالی محله راهنمایی می‌گویند میان بره‌های بولوار فلسطین و خیابان راهنمایی، به سرعت‌گیر نیاز دارند

کانون خطر در «صفا» و «شیرین»

صدرا چیغ ممتد لاستیک روی آسفالت و بعد صدای خشن برخورد فلز با فلز؛ این صدای ناخوشایندی است که گوش اهالی خیابان‌های «صفا» و «شیرین» در محله راهنمایی به آن عادت کرده است.

اینجا در جایی که نام‌هایش آرامش‌راند می‌کند، مدتی است که آسایش مردم از بین رفته است. خیابان‌هایی که قرار بود معبری دنج برای سکونت باشند، حالا جور ترافیک سنگین بولوار فلسطین و خیابان راهنمایی را می‌کشند. رانندگانی که از گره‌های ترافیکی خسته شده‌اند، این دو معبر را به عنوان میان‌بر انتخاب می‌کنند. اما با سرعتی که گویی در بزرگراه می‌رانند، نه در دل یک محله مسکونی و همین موضوع تصادفات را در این دو خیابان افزایش داده است؛ به طوری که اهالی خواستار نصب سرعت‌گیر در تقاطع‌های این دو معبر هستند.



● معابری با عرض کم و حادثه خیز

علیرضا واله، رئیس شورای اجتماعی محله راهنمایی، در حالی که مارادر عبور از خیابان صفا همراهی می‌کند، می‌گوید: مشکل از جایی شروع شد که خیابان‌های صفا و شیرین تبدیل به معبر اصلی شدند. خودروهایی که نمی‌خواهند پشت چراغ‌های بولوار فلسطین بمانند، با عجله وارد فرعی‌های شوند و بعد از گذشتن از خیابان‌های صفا و شیرین، خود را به خیابان راهنمایی می‌رسانند. از طرفی سایر خودروها نیز از ترافیک سنگین خیابان سنا وارد این دو معبر می‌شوند و در تقاطع‌ها حادثه رخ می‌دهد.

واله به حادثه هفته گذشته در تقاطع خیابان‌های صفا ۳ و فلسطین ۵ اشاره می‌کند؛ جایی که برخورد شدیدی یک پژو و سمند، نه تنها خسارت مالی سنگینی بر جای گذاشت، بلکه باعث تنش و درگیری فیزیکی میان رانندگان هم شد. او می‌گوید: ساختار فنی این معابر برای این حجم از تردد و این سطح از سرعت طراحی نشده است و تقاطع‌ها اکنون به کانون‌های خطر تبدیل شده‌اند و نیاز به سرعت‌گیر دارند.

● امدادگری کاسبان در صحنه تصادف

در میانه این هیاهو، کسبه محله نقش امدادگر را ایفا کرده‌اند. رضا زارعی، از کسبه قدیمی خیابان صفا، می‌گوید همیشه یک لیوان آب و قند در مغازه‌اش آماده دارد. او که بارها شاهد تصادف خودروها و موتورسواران بوده است، تعریف می‌کند: صدای ترمز که بلند می‌شود، کسبه این محدوده بی‌اختیار به سمت خیابان می‌دوند. در ماه چندین بار تصادف اتفاق می‌افتد و ما اولین کسانی هستیم که برای آرام کردن مصدومان و حادثه دیدگان، خود را می‌رسانیم. به نظرم کمبود علائم راهنمایی و نبود کاهنده‌های سرعت، رانندگان را نسبت به حق تقدم در تقاطع‌هایی پروا کرده است.

● افزایش ضریب خطر با پارک خودروها

کمی آن سوتر، در خیابان شیرین، اوضاع به مراتب حساس‌تر است. عرض این خیابان کمتر از معبر صفاست و پارک خودروها در یک سمت آن، فضای حرکت را برای رانندگان تنگ کرده است. مریم ظهوری که به تازگی به این محله نقل مکان کرده است، از تجربه‌اش می‌گوید: روزهای اول فکر نمی‌کردم اینجا این قدر پرخطر باشد. ماشین‌ها طوری از سمت راهنمایی ۱۲ وارد این معبر می‌شوند که انگار وارد پیست مسابقه شده‌اند. هر بار که می‌خواهم برای خرید از خانه خارج شوم، با اضطراب به دو طرف خیابان نگاه می‌کنم، مبادا موتورسواری یا خودرویی با سرعت غیرمجاز غافلگیرم کند.

علی دهقان، کاسب ابتدای خیابان راهنمایی ۱۲، هم که هر روز مسیرش از این معبر می‌گذرد، تأیید می‌کند که نبود هیچ‌گونه مانع فیزیکی، رانندگان را به فشردن بیشتر پدال گاز تشویق می‌کند.

● استشهادهای محلی، قدم اول نصب سرعت‌گیر

حامد رحمانی، مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه یک، راهکار قانونی را پیش پای اهالی می‌گذارد. او می‌گوید: نصب سرعت‌گیر فرایندی است که نیاز به تأییدیه کارشناسی و رضایت جمعی دارد. ما بارها شاهد بوده‌ایم که در خیابانی سرعت‌گیر نصب شده است و مدتی بعد، ساکنان به دلیل صدای ترمز خودروها در نیمه شب، معترض شده و خواستار جمع‌آوری آن بوده‌اند.

به گفته او، قدم اول برای اهالی صفا و شیرین، تهیه یک «استشهاد محلی» جامع شامل نام و شماره تماس ساکنان و ارائه آن به شورای اجتماعی محله است. رحمانی توضیح می‌دهد: پس از این مرحله، کارشناسان سازمان ترافیک از محل بازدید می‌کنند و در صورت تأیید فنی و تأمین اعتبار، نصب سرعت‌گیرهای استاندارد مخصوص معابر فرعی در برنامه اجرایی نیمه دوم سال قرار خواهد گرفت.

صفائی بیشتر معابر منطقه یک جزو خیابان‌های پرتدد است که نیاز به ایمن‌سازی دارند. بر همین اساس پروژه تهیه و اجرای سرعت‌گیرهای آسفالتی و اصلاح هندسی معابر با هدف بهبود ایمنی تردد عابران پیاده و سرنشینان خودروهای عبوری با همکاری شهرداری منطقه یک و پلیس راهور در منطقه در حال اجراست.

شهردار منطقه یک در این باره گفت: مجموعه‌ای از اقدامات نظیر نصب سرعت‌گیر آسفالتی، نصب تابلوهای راهنمایی و رانندگی و تجهیزیات ترافیکی در حال اجراست.

محمود برهانی افزود: دوربرگردان‌های بولوار ابوذر غفاری، برای اجرای این طرح مد نظر است. معابر دیگری نظیر بولوار شهید دستغیب، بولوار ارشاد و بولوار کلاهدوز نیز برای این اقدامات در دستور کار قرار دارد و به مرور ایمن خواهند شد.

وی می‌افزاید: اجرای این گونه طرح‌ها علاوه بر کمک به بهبود عملکرد رانندگان و ایجاد نظام حرکتی و تردد خودروها سبب کاهش احتمال بروز تصادفات منجر به جرح و فوت شهروندان محترم خواهد شد.



شهردار منطقه یک از نصب سرعت‌گیرهای آسفالتی در منطقه می‌گوید

آرام‌سازی ترافیک و ایمن‌سازی معابر

ترافیک سعدآباد زیر ذره بین شهرداری

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه یک به همراه جمعی از رؤسای ادارات و رئیس شورای اجتماعی محله سعدآباد از این محله بازدید کردند. در این برنامه، بررسی وضعیت تقاطع‌های آبکوه و دانشسرای جنوبی و همچنین محدوده پمپ بنزین سعدآباد که از نقاط پرتدد محسوب می‌شوند، محور اصلی گفت‌وگوی مسئولان و نمایندگان محلی بود.



مشق امدادگری برای بانوان محله کلاهدوز

در شرایطی که آمادگی برای مواجهه با حوادث غیرمترقبه یک ضرورت اجتماعی است، بانوان محله کلاهدوز، کام‌بلندی در این مسیر برداشته‌اند. دومین جلسه دوره آموزشی امداد و نجات در پایگاه بسیج شهید بهشتی مسجد چهارده معصوم (ع) برگزار شد. در این جلسه، شرکت‌کنندگان با تکنیک‌های اولیه امدادی آشنا شدند.

تلفیق مهارت‌های زندگی با ذوق هنری

پایگاه فرهنگی «ام‌بیها (س)» با برگزاری نشست صمیمانه، فضایی ویژه برای دختران جوان محله گوهرشاد رقم زد. این پاتوق دخترانه، ترکیبی از فعالیت‌های فرهنگی، هنری و مهارت‌آموزی بود. در این دوره‌ها، دختران جوان علاوه بر انجام تمرین‌های تخصصی گروه سرود و فعالیت‌های ورزشی با موضوعات اخلاقی و تربیتی و بازاریابی آشنا شدند.

چند موش از آنجا بیرون می آیند. خانه مایک کوچه پایین تر است و مشکلی برایمان پیش نیامده. اما در این مسیر همیشه تعدادی موش دیده می شود و اغلب خانم ها و بچه ها از آن همامی ترسند.

● آسیب خوردن کسب و کارها

احمد امیریان، یکی از کسبه قدیمی این خیابان، نیز می گوید: حدود پنجاه سال است که در اینجا کسب و کار دارم. اگر اشتباه نکنم حدود شش سال است که مشکل موش ها به یک معضل جدی تبدیل شده است. قدیمی ها می گویند اینجا قلعه بوده است و زیر این مسیرها قنات وجود دارد. موش ها از آنجا می آیند، البته نمی دانم تا چه حد حرقشان درست است.

او که اغذیه فروشی دارد، ادامه می دهد: با اینکه مراقب هستیم موش وارد مغازه نشود، وقتی مشتری ها بیرون مغازه موش می بینند، روی کسب و کار ما هم تأثیر می گذارد.

علی کاشفی، صاحب یک سوپرمارکت در این خیابان، نیز تجربه مشابهی دارد. او می گوید: موش ها داخل مغازه من آمده بودند. زمانی متوجه شدم که حتی زاد و ولد کرده بودند. هزینه زیادی کردم تا توانستم آن ها را از مغازه بیرون کنم.



ضایعات غذایی و کانال های فرسوده زندگی روزمره کسبه خیابان آیت... عبادی را مختل کرده اند

ضربه زدن موش ها به بازار «عبادی»

● هر هفته شست و شو و طعمه گذاری

رئیس اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ۲ با تأیید جولان موش هادر خیابان آیت... عبادی می گوید: کانال های این خیابان فرسوده است و برخی کسبه نیز فاضلاب مغازه خود را به داخل جوی ها هدایت می کنند. همچنین بیشترین مشکل مربوط به فروشگاه های مواد پروتئینی است که برخی از آن ها انبارهای غیرمجاز در خانه های پشت مغازه دارند و وجود مواد غذایی باعث افزایش جمعیت موش ها شده است. مرتضی طهماسبی ادامه می دهد: برخی از کسبه، ضایعات کسب خود را در جوی های همی ریزند؛ حتی در مواردی آجیل فروشی ها نیز ضایعات حاصل از الک کردن آجیل را داخل جوی های همی ریزند. در این شرایط غذای کافی برای موش ها فراهم است و طبیعی است که تعداد آن ها بیشتر شود.

به گفته رئیس اداره خدمات شهری، اقدامات کنترلی نیز در این محدوده در حال اجراست. او توضیح می دهد: جوی های خیابان آیت... عبادی شنبه و سه شنبه هر هفته شست و شو شده و یکشنبه و چهارشنبه نیز طعمه گذاری انجام می شود. بیشترین طعمه گذاری در محدوده آیت... عبادی ۷۵ تا ۹۵ صورت می گیرد که تعداد موش ها در آنجا بیشتر گزارش شده است. با این حال تا زمانی که منابع غذایی برای آن ها فراهم باشد، کنترل کامل این مشکل دشوار خواهد بود.

● موش ها، مهمان همیشگی

رضا اسماعیل زاده، یکی از کسبه محل، در این باره می گوید: داخل جوی آب، یک سوراخ وجود دارد که موش نسبتاً بزرگی در آن زندگی می کند. وقتی برای پرند هادانه می ریزم، او هم بیرون می آید و از دانه های خورد. البته خیلی زرنگ است و دائم اطراف را زیر نظر دارد تا مبادا تله ای در کار باشد! چند روز پیش، کیوتری را که به نظر کمی بی حال بود، در یک چشم به هم زدن گرفت و با خودش داخل لانه برد.

او ادامه می دهد: مغازه ما فروش پوشاک است و جلوان یک پله کوچک دارد؛ با این حال همیشه حواسمان هست که موش وارد مغازه نشود. یکی از ساکنان محله نیز از حضور گسترده موش هادر جوی های کنار خیابان برایمان می گوید. معصومه سلطانی ادامه می دهد: بیشتر موش هادر جوی خیابان آیت... عبادی پرسه می زنند، اما به خاطر وجود جوی های آب در معابر فرعی، گاهی به کوچه ها هم می آیند. یک بار دیدم موشی از سوراخ کنار در خانه یکی از همسایه ها داخل رفت. زنگ زد و به صاحب خانه اطلاع دادم و مسیر ورودش را هم نشان دادم. فاطمه اکرامی، یکی دیگر از ساکنان، با اشاره به کانال آبی در ابتدای معبر آیت... عبادی ۶۸ می گوید: صبح ها که از این مسیر عبور می کنم،

حمیده صفائی چند سالی است که جولان موش هادر خیابان طویل آیت... عبادی به یکی از مشکلات جدی برای ساکنان و کسبه تبدیل شده است؛ موضوعی که به گفته اهالی، علاوه بر ایجاد نگرانی های بهداشتی، بر آرامش و حتی کسب و کار آن ها نیز اثر گذاشته است.

قسمت زوج این خیابان در محدوده شهرداری منطقه ۲ قرار دارد و هر چه از چهارراه خواجه ربیع به سمت میدان امام حسین (ع) نزدیک تر می شویم، معضل وجود موش ها بیشتر می شود.

با اهالی در محدوده ای از این خیابان طویل همراه شدیم تا مشکلات آن ها را از نزدیک بررسی کنیم.



هم قدم

با پیگیری شهرآرامحله و به همت اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۲، بوستان خطی خیابان شهید فرامرزی عباسی ۹ احیا شد

حال خوب درختان «نسیم»



باز خورد



صدرا ۲۵ مرداد ۱۴۰۴ در گزارشی، نگرانی ساکنان خیابان شهید فرامرزی عباسی ۹ را از خشک شدن درختان بوستان خطی «نسیم» بازتاب دادیم؛ سرسبزی ای که روز به روز کم رنگ تر می شد و جای خود را به شاخه های خشک و منظره ای نگران کننده می داد. اهالی می گفتند بیم آن دارند که هنگام عبور عابران پیاده، شاخه های اساقه های خشک شده فرو بریزد و حادثه ای رخ دهد؛

یاد صورت سقوط درختان به سمت منازل، خسارت مالی به خانه های مسکونی وارد شود.

پس از انتشار این گزارش، غلام علی عباسی، رئیس وقت اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۲، وعده داد از بوستان خطی باز دید می کند. او پس از بازدید، از برنامه ریزی برای انجام اقدامات اصلاحی در بوستان خطی «نسیم» واقع در محله فرامرزی عباسی خبر داد؛ اقداماتی که هدف آن، ایمن سازی فضای بوستان و بازگرداندن طراوت به این معبر شهری بود.

خبر خوش برای ساکنان محدوده آن است که وعده داده شده عملی شد. اشک غروی، رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۲، با اعلام خبر بازسازی و احیای بوستان خطی نسیم توضیح داد: در سال های اخیر به دلیل کمبود منابع آبی، برای اصلاح الگوی کاشت اقدام کرده ایم. حذف گونه های آب دوست و جایگزینی گونه های کم آب بر، یکی از محورهای اصلی این برنامه بوده و بوستان خطی نسیم هم از این تغییرات بی نصیب نمانده است.

به گفته غروی، برای هدفمندتر شدن آبیاری، اطراف درختان این بوستان تشتک گذاری شده است تا آب بهتر به ریشه برسد و هدررفت کاهش یابد. همچنین سطح چمن کاری در بوستان محدودتر شده است و به جای آن، درختچه ها و گونه های سازگارتر با کم آبی کاشته شده اند؛ تغییری که هم به مدیریت مصرف آب کمک می کند و هم به حفظ سرسبزی پایدار در طول سال.



ازدواج در دل تجمعات، تجربه بی سابقه
این شب‌های شهر است

خیابان هنرور تالار عروسی ۶ زوج شد

۲



داستان جلد

حمیده صفائی شب سالگرد ازدواج حضرت علی^(ع) و حضرت زهرا^(س)، محله هنرور حال و هوایی دیگر دارد. خیابانی که اهالی قدیمی، آن را «چهارراه نانوائی» صدا می‌زنند، حالا به صحنه‌ای از شور زندگی تبدیل شده است. از چند ساعت قبل، رفت و آمد مردم و رنگ‌های آویخته از ریسه‌ها نشان می‌دهد که اتفاقی مبارک در راه است: اتفاقی که قرار است خاطره‌ای مشترک و ماندگار برای همه بسازد. خیابانی که از ۱۰ اسفند سال گذشته پایگاه اجتماعات مردمی شده، این بار شاهد مراسمی است که نه تنها دل رهگذران را گرم می‌کند، بلکه تصویر تازه‌ای از شور زندگی را به نمایش می‌گذارد؛ جایی که شش زوج جوان، در میان جمع پرشور مردم محله پیمان زندگی مشترک می‌بندند و با برگزاری جشن در فضای باز، پیام ازدواج آسان و بی‌تکلف را به گوش همگان می‌رسانند. صدای خنده‌ها و شادمانی مردم، فضای خیابان هنرور را پر کرده است. پیر و جوان، زن و مرد، کودک و سالمند در کنار هم، به تماشای این مراسم ایستاده‌اند. خیابان با تزئین‌های ساده اما زیبا، ریسه‌های رنگی، بادکنک‌ها آراسته شده است. آنچه در این مراسم معنا دارد، نه شکوه تجمل، بلکه ساده‌زیستی آگاهانه و همدلی اجتماعی است.

مسجدها دست در دست هم برای یک محله

در گوشه‌ای دیگر از خیابان، حجت الاسلام والمسلمین جواد کریمانی، امام جماعت مسجد امام حسین^(ع) در خیابان یاس، بین مردم قدم می‌زند و به هر چهره آشنا و غریبه‌ای خوشامد می‌گوید. او خود را، خادم مسجد، معرفی می‌کند و با افتخار از اتحاد مساجد در محله هنرور سخن می‌گوید.

وی ادامه می‌دهد: مسجد رسول^(ص)، مسجد امام حسین^(ع) واقع در یاس ۱۵، مسجد امام حسین^(ع) واقع در هنرور ۶ و حسینیه شهید نقیعی، همه پای کارند. ما با اتحاد توانسته‌ایم اتفاقات خوبی در محله مان رقم بزنیم. برکت محله ما از همین باهم بودن است.

کریمانی می‌گوید: پیوند این شش زوج، تنها یک مراسم شادی نیست، بلکه پیامی پررنگ دارد. هدف ما، اطاعت از فرمایش رهبر عزیزمان در امر ازدواج و ترویج ازدواج آسان بود. هر یک از این زوج‌ها می‌توانستند جداگانه جشن بگیرند، اما به درخواست ما آمدند تا شادی‌شان را با مردم تقسیم کنند.

او با اشاره به پیوند معنوی مراسم ادامه می‌دهد: خداوند در قرآن فرموده است کارهای خیر را علنی کنید. ما می‌خواستیم به جوانان یادآوری کنیم که حتی در شرایط سخت، با توکل به خدا و همراهی مردم می‌توان شروع کرد.

کریمانی یادآوری می‌شود: دشمن فکر می‌کند سختی‌ها برای ما طاقت فرساست، اما وقتی شور و نشاط مردم را می‌بیند، درمی‌یابد که اشتباه کرده است. صدای شادی مردم در این جشن نشان می‌دهد که پیام مراسم به قلب‌ها رسیده است.



یک جشن عروسی به وسعت محله

در زمانه‌ای که مراسم ازدواج به میدان نمایش تجمل و هزینه‌های سنگین تبدیل شده است، این شش زوج تصمیم گرفتند با انتخابی متفاوت، معنای ازدواج آسان را در عمل نشان دهند. حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن زارع، از برگزارکنندگان اصلی مراسم، با اشاره به این موضوع می‌گوید: اول قرار بود پنج زوج جشن ازدواجشان را با مردم برگزار کنند. اما دو ساعت مانده به مراسم خبر دادند که یک زوج دیگر هم به جمع ما اضافه می‌شوند که خطبه عقدشان را همان جا، بین مردم، خواندیم.

امام جماعت مسجد امام حسین^(ع) از تصمیمی می‌گوید که جرقه برگزاری این مراسم را زد: «وقتی رهبر انقلاب فرمودند ازدواج‌ها را برگزار کنید، از مجموعه‌های مختلف خواستیم مجالس عروسی را به اجتماعات شبانه مایا ورنند. سالگرد ازدواج حضرت علی^(ع) و حضرت فاطمه^(س) را بهترین فرصت برای این مراسم دانستیم. زوج‌های زیادی اعلام آمادگی کردند، اما با شنیدن ماجرای این شش زوج تصمیم گرفتیم میزبان آن‌ها باشیم و مراسم ازدواج شش زوج ناشنواد در محله هنرور به همین ترتیب شکل گرفت؛ مراسمی که نه در تالار مجلل، بلکه در دل خیابان و با حضور مردم برگزار شد». زارع یادآوری می‌شود: این جوان‌ها می‌خواستند در این ایام برای خودشان جشن بگیرند، اما ما از دوستانشان خواستیم این مراسم را در اجتماعات شبانه ما و با حضور جمعی خودشان برگزار کنیم. مهم‌ترین دلیلش، حمایت از اجتماعات و اطاعت از امر رهبری بود؛ اینکه در خیابان بمانیم و برای ماندن، غم و شادی‌مان را با مردم قسمت کنیم.

او با نگاهی به جمعیت که با شادی زوجین دست می‌زنند و کل می‌کشند، ادامه می‌دهد: ما می‌خواستیم نشان دهیم ازدواج آسان، ممکن است. زندگی را باید ساده آغاز کرد، نه با تشریفات. جوان‌ها باید ببینند که با همت و ایمان، می‌توان با کمترین هزینه، یک زندگی را شروع کرد.

امام جماعت مسجد امام حسین^(ع) در هنرور ۶ درباره دلیل دیگر برگزاری مراسم عروسی در این اجتماعات توضیح می‌دهد: این تفاوت ما با دشمنانمان است؛ اگر میدان جنگ باشد، آن‌ها پناه می‌گیرند و پنهان می‌شوند، اما مردم ما با اعتقاد به خدایه خیابان می‌آیند. عروسی‌شان را در خیابان برگزار و شادی‌شان را با دیگران تقسیم می‌کنند. این ناشی از توکل ماست.

فرهنگ سازی ازدواج برای معلولان

نور دوربین هابه چهره های شش عروس و دامادی تابید؛ چهره هایی که بالبخند های آرام، داستان تازه ای را رقم می زنند. لباس های ساده، دسته گل های کوچک و نگاه هایی پر از امید، تصویر این زوج ها را صمیمی تر کرده است.

در میان جمعیت، دکتر مهدی برجی، مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی، حضور دارد. او که مانند دیگر مردم لبخند به لب دارد و از شادی جمعیت شادمان است، می گوید: امشب، در شب ازدواج زیباترین زوج عالم، آغاز زندگی شش زوج ناشنوادر مشهد رقم می خورد. مادر استان، بیش از ۲۱ هزار ناشنوادریم که در مسیر توانمندسازی شان گام برداشته ایم.

مدیرکل بهزیستی استان خراسان رضوی، شجاعت این زوج ها را تحسین می کند و می گوید: برخی از معلولان، به خاطر شرایط جسمی شان، از ازدواج هراس دارند. اقدام این شش زوج، علاوه بر فرهنگ سازی ازدواج آسان، به معلولان و خانواده هایشان یادآوری می کند که آن ها هم می توانند زندگی مشترک داشته باشند.

او ادامه می دهد: به طور حتم، کارزیبای این زوجین، مشوق ازدواج آسان معلولان در خراسان رضوی خواهد بود. شاید تصمیمشان، لطفی باشد در حق دیگر معلولان. پس از ازدواج آنان، مراکز مابرای استحکام زندگی مشترک در کنارشان خواهد بود.

در گوشه دیگر میدان، اعظم طوسی، مدیر مرکز تخصصی «وصال شیرین»، بالبخندی آرام ایستاده است. او یکی از کسانی بوده که در آشنایی این زوج ها نقش مهمی داشته است.

طوسی توضیح می دهد: مرکز وصال شیرین، مرکز همسرگزینی مخصوص معلولان است. افراد در جلسات ماکه شرکت می کنند. بیشتر و اصولی با هم آشنا می شوند. مشاوره رایگان با زبان اشاره برایشان در نظر می گیریم؛ همچنین تحقیقات و آزمایش های لازم را انجام می دهیم تا در آینده برای فرزندانشان مشکلی پیش نیاید.

وی می گوید: این زوج ها در کانون ناشنوایان مشهد با هم آشنا شده اند. شرایط مشابه و درک متقابل از سختی های زندگی مشترک، آن ها را به تصمیم برای ادامه زندگی در کنار هم رسانده است. آن ها دوست داشتند شادی شان را با مردم تقسیم کنند و همین باعث شد تصمیم بگیرند در این جمع میان مردم باشند.



مردم، قلب تپنده جشن

در میان ازدحام، صغری خانم زارع، که بیشتر او را بانام خانم «عبیدی» می شناسند، به گفت و گوی مامی پیوند دومی گوید: ازدواج این جوانان در خیابان، خاری است در چشم دشمنان. مامی خواهیم نشان دهیم کشورمان زنده است و مردم ما شادند. آن ها تصور می کنند ما کشوری جنگ زده ایم، اما باید بدانند مردم ایران زنده اند و عاشق و وطنشان هستند.

زهرارضایی، یکی از حاضران که همراه خانواده اش از چند محله آن طرف تر به این مراسم آمده است، می گوید: چقدر خوب است که جوان ها آموخته اند خوشبختی را در سادگی ببینند. این عروسی هائ فقط ازدواج چند نفر، که امید دادن به دل همه ماست. این مراسم به مایادآوری می کند که زندگی یعنی کنار هم بودن، نه خرج کردن بی حساب. این شش زوج با همین سادگی، الگو شدند برای خیلی از جوان هایی که به خاطر هزینه ها از ازدواج راعقب می اندازند.

در میان شلوغی، صدای تشویق کودکان شاید زیباترین موسیقی این جشن است؛ خنده هایی که بی وقفه بلند می شود، و خوشحالی بی حدی که میان مردمی از هر قشر می چرخد.

سیدرضا موسوی، یکی دیگر از حاضران در این مراسم، می گوید: آن ها ناشنوا هستند؛ اما سکوتشان سنگین نیست، بلکه پر از معناست. ارتباطشان با مردم از طریق نگاه ها، لبخند ها و زبان اشاره شکل گرفته است و مردم نیز با آن همراه شده اند. به نظرم زبان همدلی از هر واژه ای رساتر است.

او ادامه می دهد: شاید صدای جشن و شادی ما به گوش آن ها نرسد. اما مطمئنم شادی و شوری را که برای ما ایجاد کرده اند، بهتر از همه ما حس می کنند.



هیچ وقت خیابانمان این قدر زنده نبود

در میان بادکنک ها و نورها، صحنه ای شبیه یک تابلو نقاشی شکل گرفته است. سفره عقدی ساده با آینه و شمعدانی زیبا و لبخند زوج هایی که تازه، نام یکدیگر را در دفتر عشق می نویسند، فضای متفاوتی ایجاد کرده است. صدای تشویق، کف زدن و باران نقل و شکلات، فضای خیابان را پر کرده است. به محض خوانده شدن خطبه یکی از زوج ها، مردم کف می زنند و فریاد شادی سر می دهند. پرچم های برافراشته، گویای همدلی مردم در این مراسم است.

پیرزن مهربانی که از ساعت ها قبل روی صندلی کوچکی کنار خیابان نشسته است و تسبیح به دست برای خوشبختی زوج ها و دیگر جوانان دعا می کند، می گوید: حدود پنج سال است در این محدوده زندگی می کنم. هیچ وقت خیابانمان این قدر زنده و قشنگ نشده بود. خدا خیرشان بدهد که دوباره دل مردم را شاد کردند. الهی این زوج ها خوشبخت و عاقبت به خیر شوند.



برای تماشای روایت تصویری جشن این کدراسکن کنید.

بانوان محله آبکوه، با درآمدزایی خلاقانه، گره از کار خلق باز می‌کنند

قصه اقتصاد مقاومتی در مکتب و خیریه نرجسیه



راه تجربه



صدرا در پیچ و خم کوچه‌های محله آبکوه، خانه‌ای قدیمی به پناهگاهی برای مهربانی تبدیل شده است. همه چیز از یک جلسه ساده قرائت قرآن در بولوار شهید صادقی شروع شد. زهرا ملک جعفریان، بانی این کار خیر، خوب می‌دانست که تفسیر حقیقی قرآن، در خدمت به خلق نهفته است. حالا ۲۷ سال پس از آن روزها، آنچه به یادگار مانده، تنها یک مکتب آموزشی نیست؛ جریانی است از جنس عشق که از زیرزمین خانه همسایه‌ها آغاز شد و اکنون به کارگاه توانمندسازی، صندوق قرض الحسنه و گروه جهادی پرشور در روستاهای دورافتاده رسیده است. این گزارش، روایتی است از بانوانی که با تکیه بر اقتصاد مقاومتی، چرخ زندگی محرومان را با هنر دست می‌چرخانند.

✿ میراثی که از سال ۷۶ ماندگار شد

داستان این همدلی به سال‌های پیش بازمی‌گردد؛ به سال ۱۳۷۶، زمانی که زهرا ملک جعفریان درس حوزه را به پایان رساند. او که از همان زمان دغدغه کار فرهنگی و تبلیغی داشت، فعالیت‌های خود را به درخواست همسایه‌ها با برگزاری کلاس‌های قرائت قرآن و سخنرانی در محدوده بولوار شهید صادقی آغاز کرد و به این ترتیب «مکتب و خیریه نرجسیه» متولد شد.

در ابتدا، مکتب تنها مکانی برای آموزش قرآن و احکام بود. اما زهرا خانم و هم‌راهانش به خوبی می‌دانستند که عمل به قرآن، در خدمت به خلق نهفته است. به مرور، مشاوره ازدواج و کارگاه‌های تربیت فرزند نیز به برنامه‌ها اضافه شد و حتی دانش آموزان محله از کلاس‌های تقویتی درسی این مجموعه بی‌بهره نمی‌مانند. زهرا خانم می‌گوید: تا همین پنج سال پیش، جلسات در زیرزمین خانه همسایه‌ها یا مساجد و حسینیه‌های چرخید، اما هر جاکه می‌رفت، عده‌ای بیشتر به این جمع عاشق می‌پیوستند.

✿ صندوقی برای رفع مشکلات محرومان

با بزرگ‌تر شدن جمع، نیازهای اعضا بیشتر خود را نشان داد. زهرا خانم و اعضای فعال جلسه، افراد نیازمند محله را شناسایی کردند و برای رفع مشکلاتشان تصمیم گرفتند صندوق قرض الحسنه مکتب را راه بیندازند. زهرا خانم می‌گوید: صندوق، مرهمی بود بر زخم‌های مالی خانواده‌هایی که برای مبالغ اندک در مضیقه بودند. وام‌هایی بدون بهره و با اقساط ماهیانه پرداخت می‌شد که به عزت نفس خانواده‌ها هالطمه نمی‌زد.

زهرا خانم و دوستانش در کنار کارهای خیرشان توزیع بسته‌های معیشتی در اول ماه رمضان، ماه رجب، عید نوروز، مهرماه و دهه فاطمیه و محرم را شروع کردند. ولی برای انجام این کار خیر و همچنین تهیه جهیزیه، سیسمونی و فعالیت‌های دیگر نیاز به درآمد داشتند و این شروع فعالیت دیگرشان یعنی چادر دوزی را رقم زد.

✿ کارگاه‌های اقتصاد مقاومتی بانوان

باید راهی برای درآمدزایی ایجاد می‌کردند. زهرا خانم دست به کار شد و با خانم‌های خیاط مجامعه مشورت کرد و کارگاه دوخت چادر زنانه راه‌اندازی کردند. زهرا خانم می‌گوید: با پول صندوق، پارچه می‌خریدیم و چادر می‌دوختیم و در همان جلسات هفتگی چهارشنبه‌ها به فروش می‌رساندیم. سود حاصل از این کار، برکتی

شد برای خرید جهیزیه و سیسمونی. به تدریج، بانوان دیگر هم وسایل سالم و نو مثلشان را که نیاز نداشتند به مکتب اهدا کردند تا هیچ عروسی بدون جهیزیه به خانه بخت نرود. در زیرزمینی در محله آبکوه که خانواده حسینی سخاوتمندانه در اختیار خیریه قرار داده‌اند، فضایی چند منظوره ایجاد شده است. در بخشی از آشپزخانه، دستگاه‌های مخصوص خشک کردن میوه و سبزیجات قرار دارد. همه چیز اینجا ارگانیک و بهداشتی تهیه می‌شود و مشتریان خاص خود را میان بانوان مکتب دارد. درآمد این بخش به صندوق واریز می‌شود و برای تهیه سیسمونی و جهیزیه و تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری در نظر گرفته شده است.

✿ بیش از ۳۰۰ سری جهیزیه و ۱۰۰ سیسمونی

وقتی به دفتر ثبت فعالیت‌های خیریه نگاه می‌کنیم، اعداد معنای دیگری پیدا می‌کنند. در همه این سال‌ها، بیش از سیصد سری جهیزیه کامل و در چهار سال اخیر، بیش از صد مورد سیسمونی به خانواده‌های شناسایی شده اهدا شده است. زهرا خانم با لبخندی که نشان از رضایت دارد، دفتر مخصوص اهدای سیسمونی را نشان می‌دهد و می‌گوید: این صد و هفتاد سیسمونی ای است که تکمیل می‌شود. علاوه بر این، طرح مشارکتی قربانی را هم فعال کرده‌ایم. هر ماه اگر کسی قصد قربانی گوسفند داشته باشد، مکتب با او مشارکت می‌کند و به همان میزان، گوشت گرم در اختیار خانواده‌های محروم قرار می‌دهد. همچنین در ابتدای مهرماه و سال نو، لوازم تحریر و لباس مدارس برای دانش آموزان تأمین می‌شود تا فقر، مانعی برای تحصیل هیچ کودکی در این محدوده و حتی مناطق حاشیه شهر نباشد.

✿ سفیران مهربانی در روستاهای دورافتاده

دایره فعالیت‌های این بانوان، به مرزهای محله آبکوه و بولوار سازمان آب ختم نمی‌شود. آن‌ها گروه جهادی مهر نرجسیه، راه‌انداخته‌اند و ۱۰ عضو فعال، راهی مناطقی می‌شوند که کمتر کسی به آنجا سر می‌زند. روستاهایی چون جیم‌آباد، قیاس‌آباد، حکیم‌آباد و علی‌آباد، مقصد سفرهای جهادی آن‌هاست. آن‌ها فقط وسیله و لباس نمی‌برند؛ بلکه هنرشان را هم به مردم می‌آموزند تا از این طریق کسب درآمد کنند. زهرا خانم می‌گوید: همراه تعدادی از خانم‌ها در این اردوها کلاس‌های احکام و تفسیر برگزار می‌کنیم و دیگر بانوان هنرمند، به زنان روستا خیاطی، ساخت زیورات و مکرومه بافی می‌آموزند تا راهی برای کسب درآمد داشته باشند. این یعنی توانمندسازی به معنای واقعی کلمه. زهرا خانم ادامه می‌دهد: اینجا خانه همدلی و همیاری است و همه با عشق و بدون چشمداشت کار می‌کنند. الگوی ما خانم فاطمه زهرا (س) و خانم نرجس (س) هستند.

✿ خانه‌ای که پناه مهربانی شد

حدود پنج سال است که فعالیت‌های مکتب در زیرزمین خانه طاهره جوهری و همسرش، آقای حسینی، متمرکز شده است. طاهره خانم که خود فرهنگی بازنشسته است، می‌گوید: پسرم که از پیش مارفت، تصمیم گرفتیم این طبقه را وقف حسینی کنیم. وقتی دیدم زهرا خانم به فضای ثابت نیاز دارد، باکمال میل اینجارا در اختیارشان گذاشتیم. آقای حسینی نیز به عنوان عضو هیئت مدیره، مسئولیت تهیه مواد اولیه برای کارگاه میوه خشک‌کنی را بر عهده گرفته است. طاهره خانم و دیگر بانوان مکتب، هفته‌ای سه روز برای شست و شو، خرید کردن و خشک کردن محصولات به این‌جامی آیند. این خانه، حالا به مرکز تبدیل شده که در آن حتی برای مجردها هم آستین بالایی زنده و با شناسایی دختران و پسران شایسته، زمینه ساز ازدواج‌های آگاهانه می‌شوند.

✿ هنرهایی برای توانمندسازی

در اتاق خیاطی، جایی که دور تادوران راپاچه‌های پارچه و چرخ‌های خیاطی فرا گرفته است، طاهره محمدی و نرجس خاکساری، مدیریت کارها را بر عهده دارند. طاهره خانم بیش از بیست سال است با زهرا ملک جعفریان، مدیر مکتب، همکاری می‌کند. او هنر خیرخواهی را از خواهر مرحومش آموخته است و می‌گوید: خواهر بزرگم همیشه کار خیر انجام می‌داد و بر اثر سرطان از دنیا رفت. از همان زمان تصمیم گرفتم راهش را ادامه دهم. در یکی از مراکزی که زهرا خانم جلسه قرآن داشت با او آشنا شدم و از همان زمان همراهشان هستم. در اردوهای جهادی، مربی هنرهای دستی هستم و به زنان و دختران مناطق محروم می‌آموزم که چطور با دستانشان و کارهای هنری، چرخ زندگی‌شان را بچرخانند.

پشت یکی از چرخ‌های خیاطی، نرجس خاکساری بادقتی ستودنی مشغول دوختن لباس نوزاد است. او که برادرش در راه

میهن شهید شده است، می‌گوید: هنر خیاطی‌اش را نذرشادی روح برادر و کمک به محرومان کرده است. نرجس خانم که به واسطه کلاس‌های ورزشی و از طریق همسایه‌ها با این گروه آشنا شده، حالا یکی از ستون‌های تهیه سیسمونی است. او با افتخار می‌گوید: در همین ماه گذشته با همکاری دیگر بانوان موفق شدیم چهار سری سیسمونی کامل را آماده و اهدا کنیم. امیدوارم با این هنر بتوانیم گرهی از کار خانواده‌ای محروم باز کنیم و لبخند را به لبانشان بیاوریم.



درباره پویش دوساله «نذر نان» در محله کوی دکترا

سفره‌های خالی نان، پراز مهربانی شد

راه تجربه

پویش شده است: او توضیح می‌دهد: یک شماره کارت در اختیار خیران قرار می‌دهم و همه می‌دانند که این کمک‌ها برای تأمین نان است و با همان نیت، مبلغ را واریز می‌کنند.

خانواده‌های تحت پوشش این طرح شرایط متفاوتی دارند: برخی دوفرنند و برخی پرجمعیت‌ترند. قنادزاده در این باره می‌گوید: خانواده‌های دو، چهار و حتی هشت نفره داریم. طبیعی است که ۱۰۰ هزار تومان برای یک خانواده هشت نفره کفاف نان هفته را نمی‌دهد. به همین دلیل تلاش می‌کنیم علاوه بر پنجشنبه شب‌ها، سه شنبه‌ها نیز مبلغی برای این خانواده‌ها واریز کنیم تا فشار کمتری بردوشان باشد.

تکثیر همدلی

سید بتول تقی‌زاده، یکی از نمازگزاران مسجد قائم (عج) که همراه این طرح شده است، می‌گوید: نذر نان کاری است که همه آن را با جان و دل می‌پذیرند؛ زیرا هزینه اندکی دارد و هرکس با هر توان مالی می‌تواند در آن سهیم باشد. زمانی که خانم قنادزاده این موضوع را مطرح کرد، بلافاصله آن را با بستگانم در میان گذاشتم و حالا هر هفته در جمع خانوادگی مان مبلغی را کنار می‌گذاریم. آن‌ها نیز پویش را به دوستان و آشنایان خود معرفی کرده‌اند و حالا جمعیت زیادی پای کار آمده‌اند.

او ادامه می‌دهد: ماشماره کارت نیازمندان را می‌گیریم و خیرانی که تمایل دارند، مستقیم هزینه را واریز می‌کنند. خوشبختانه استقبال بسیار خوبی از این پویش شده است و این چرخه مهربانی همچنان با قوت می‌چرخد.

کمک متناسب با جمعیت خانواده‌ها

به گفته او، این پویش در روزهای نخست با کمک به هشت خانوار آغاز شد و هفته‌ای ۵۰ هزار تومان برای تأمین نان آن‌ها واریز می‌شد؛ اما به مرور زمان، با همدلی مردم، دامنه این مهربانی گسترش یافت و در حال حاضر ۵۲ خانوار تحت پوشش این پویش قرار دارند و سهمیه هفتگی هر خانواده به ۱۰۰ هزار تومان رسیده است.

قنادزاده تأکید می‌کند: همه خانواده‌های نیازمند پیش از قرار گرفتن در این طرح به دقت بررسی شده‌اند. او با اشاره به آمار سال گذشته می‌افزاید: سال گذشته حدود ۹۰ میلیون تومان از طریق این پویش جمع‌آوری شد و به دست خانواده‌های نیازمند رسید.

به اعتقاد قنادزاده، مردم برای تأمین نان نیازمندان دغدغه و اعتقاد ویژه‌ای دارند و همین موضوع باعث استقبال از این



صفائی‌ا در روزگاری که بارهزینه‌های زندگی بردوش بسیاری از خانواده‌ها سنگینی می‌کند، گاهی یک ایده ساده، جرقه‌ای می‌شود برای شعله‌ور شدن حرکتی جمعی. پویش نذر نان که شب‌های جمعه در محله کوی دکتر اجرامی نشود، از همین جنس است. این حرکت مردمی که با هدف تأمین ساده‌ترین و در عین حال حیاتی‌ترین قوت روزانه خانواده‌های نیازمند شکل گرفت، حالا پس از گذشت دوساله، به همت اهالی محله، گسترده‌تر از همیشه، به مسیر خود ادامه می‌دهد.

دفترچه خیرخواهی

دفتر کارش را مقابلش گشوده است و با دقت، اسامی مددجویان را مرور می‌کند تا ببیند برای کدام یک هزینه نان واریز شده است. گوشه قدیمی و قرمز رنگش را برمی‌دارد، لبخندی می‌زند و می‌گوید: شماره تماس‌های مددجویان داخل این گوشه است و همه کارها با همین انجام می‌شود.

او پس از اطمینان از واریزی‌ها، به تک‌تک خانواده‌ها اطلاع می‌دهد که نذر این هفته نیز به دستشان رسیده است.

فاطمه قنادزاده، بانی این پویش مردمی که فعالیت هایش عمدتاً در مسجد قائم (عج) محله کوی دکتر اسامان دهی می‌شود، درباره آغاز این راه می‌گوید: دوساله پیش به این فکر افتادم که قوت اصلی سفره‌های مردم مانان است؛ پس اگر بتوانیم حداقل دغدغه نان خانواده‌های نیازمند را برطرف کنیم، گامی کوچک اما مؤثر برداشته‌ایم. همین فکر، جرقه شروع پویش نذر نان شد.

کتابخانه حضرت خدیجه (س)

با برگزاری محفل ادبی به رشد فرهنگی محله کمک می‌کند

ورزش «نسیم سحر» در بهاران



عیدگاه

نزدیک‌ترین محفل ادبی به خانه مان است. نقد و نظرهای اعضا به اشعاری که می‌سرایم فرصتی برای تعالی و رشد من فراهم کرده است و خوشحالم که در این جمع حضور دارم.

وقف فرهنگی، سدی در برابر بزهکاری

محمدرضا نوری، یکی دیگر از شرک‌کنندگان محفل، با اشاره به اینکه ساختمان کتابخانه، حاصل وقف یکی از بزرگان محله است، بر این باور است که توسعه چنین فضاهایی، مستقیم بر کاهش آسیب‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. او می‌گوید: وقتی جوان محله در این محافل با پیشینه فرهنگی کشورش آشنا شود، بزهکاری در جامعه کم می‌شود.

فاطمه رجبی، شاعر و شرک‌کننده دیگر این محفل، می‌گوید: خودم را از بولوار دانش آموز به اینجای رسانم، چون شیفته ادبیات و شعر هستم. به نظرم شعر، راه و روش زندگی را به انسان نشان می‌دهد. او حرف آخر را بابتی از فردوسی تمام می‌کند: «روز گذر کردن اندیشه کن / پرستیدن دادگر پیشه کن».

نسخه شفابخش کلمات

یکی از نقاط قوت این محفل، حضور تخصص‌های مختلف است. نرجس بزم‌آرا که کارشناس روان‌شناسی است، از طریق فضای مجازی با این گروه آشنا شده و حالا پای ثابت جلسات است. او می‌گوید: استاد رجبی به زیبایی موضوعات روان‌شناختی را با اشعار کلاسیک گره می‌زنند و من این نکات آموزشی را با جلسات مشاوره‌ای که دارم، تلفیق می‌کنم و به آن‌ها می‌گویم که چطور شعر می‌تواند راهگشای مشکلات زندگی باشد.

در میان حاضران، چهره‌های حرفه‌ای تری هم دیده می‌شوند. زهراسلحشور، نویسنده و شاعر، ساکن بولوار توس است که پیش از این، مسئول محفل ادبی کتابخانه هجرت در محله ارشاد بوده است. او می‌گوید: در محافل ادبی بسیاری حضور دارم، ولی اینجا

صدرا دوشنبه‌ها برای اهالی محله بهاران، روزی است که در آن، واژه‌ها از دل کتاب‌های بیرون می‌آیند و در فضای صمیمی زیرزمین کتابخانه حضرت خدیجه (س) جان می‌گیرند. اینجا، هر هفته محفل ادبی «نسیم سحر» برپاست و علاقه‌مندان به شعر و ادبیات دورهم جمع می‌شوند. هفته گذشته این محفل به مناسبت ۲۵ و ۲۸ اردیبهشت روز بزرگداشت «حکیم ابوالقاسم فردوسی» و «حکیم عمر خیام» برپا شد و همین بهانه‌ای شد تا جمعی از نویسندگان، شاعران و منتقدان گردهم بیایند و ضمن خوانش شعر و بیان دیدگاه‌های ادبی، بر اهمیت حفظ و گسترش زبان فارسی و توجه به میراث ادبی بزرگان تأکید کنند.

جدان بودن ادبیات از بطن جامعه

حبیبه اصغری، مسئول کتابخانه حضرت خدیجه (س)، می‌گوید: از همان ابتدا فعالیت‌های کتابخانه فقط به امانت کتاب و حضور اعضا در سالن مطالعه محدود نشد. هدف این بود که با تأسیس این کتابخانه، فعالیت‌های فرهنگی و ادبی در محله بهاران رونق بیشتری بگیرد. همین دغدغه باعث شد سال گذشته در روز بزرگداشت حافظ، محفل ادبی «نسیم سحر» کار خود را آغاز کند و حالا هر هفته میزبان بیست نفر از ساکنان مشتاق محله و مناطق اطراف است. در رأس این میزادبی، علی‌رجبی نشست است؛ مدرس دانشگاه و فعال سازمان بسیج اساتید دانشگاه فردوسی که خود از اعضای قدیمی

زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، اینارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت... عیادی، شهید فرامرزی عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، عبدالمطلب، شفا، شهید مطهری، عامل، حسین یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان (ع)، سعدآباد، شهید کلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



به دلیل عرض کم پیاده‌روها، امکان نصب نیمکت و سایبان برای ایستگاه‌های اتوبوس در این معبر وجود ندارد و مسافران ناچارند روی صندلی‌هایی که کنار تابلو ایستگاه قرار داده شده است، بنشینند و در انتظار اتوبوس بمانند.



مرکز آموزشی پیش دبستانی و دبستان پسرانه غیرانتفاعی «نسیم‌ظهور»، سال ۱۴۰۳ در ابتدای این خیابان شروع به کار کرده است. در این مدرسه، آموزش بارویکرددینی دنبال می‌شود و مسئولان آن تلاش دارند با شناسایی استعداد‌های دانش‌آموزان در حوزه‌های مختلف، زمینه رشد آنان را فراهم کنند.



معبر آموزشی در «بند دال»

صدرا قدمت خیابان بهاران به حدود ۵۵ سال پیش بازمی‌گردد؛ معبری که با واگذاری زمین‌ها به مردم در اوایل دهه ۶۰ شکل گرفت. به گفته ساکنان قدیمی، بخشی از زمین‌های این محدوده در گذشته، کاربری کشاورزی داشته است. با گذشت زمان و افزایش واگذاری زمین‌ها، روند آبادانی در این محدوده سرعت گرفت. حدود چهار سال پیش نیز آستان قدس رضوی بخشی از زمین‌هایی را که در این محدوده در اختیار داشت، به کارکنان خود و برخی سازمان‌ها از جمله جهاد کشاورزی واگذار کرد. قدیمی‌های محله می‌گویند پیش از آنکه این معبر به نام «بهران» شناخته شود، مردم، این محدوده را بانام «بند دال» می‌شناختند.

خیابان بهاران
محله بهاران



انتهای خیابان بهاران به دلیل اتصال به بزرگراه شهید چراغچی و میدان فهمیده، مسدود است. این موضوع باعث شده امکان عبور مستقیم از این مسیر وجود نداشته باشد و ساکنان برای رفت و آمد ناچار باشند از خیابان بنفشه استفاده کنند.

علی اکبر دردی‌دار، از چهره‌های شناخته شده محله که در این معبر، مغازه خواربارفروشی دارد، سال ۱۳۶۴ زمین خانه و مغازه‌اش را از آستان قدس رضوی خریداری کرد و به مرور آن را ساخت. او به یاد دارد پیش از آنکه لوله‌کشی آب در این محدوده انجام شود، ساکنان برای تأمین آب مورد نیاز، از قناتی که نزدیک مسجد الزهرا (س) بود، آب می‌آوردند.



دبیرستان غیرانتفاعی دخترانه دوره اول «عابده ۳»، نیز از دیگر ظرفیت‌های آموزشی خیابان بهاران به شمار می‌آید. این مدرسه که در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد، سال‌هاست میزبان دانش‌آموزان این محدوده و محله‌های اطراف است و نقش مهمی در فعالیت‌های آموزشی این منطقه دارد.